

نوعی ایرانی

طائب از ریاست سازمان اطلاعات سپاه برکنار شد



سیاست ۲

نخستین شکست والیبال آمریکا مقابل ایران رقم خورد

گول کش!



آدرنالین ۸

افغانستان زلزله زده با میلیاردها دلار اموال بلوکه شده در آمریکا، در انتظار کمک‌های جهانی است

بی‌کفایتی طالبان و تماشای واشنگتن!

جهان ۳



عدم رعایت برخی مناسبات دیپلماتیک از سوی مقامات دو کشور، باز هم واکنش برانگیز شد؛

حاشیه‌های سفر «عالیجنابان» روس به ایران

حاشیه و نکته‌های عجیب در دیدارهای مقام‌های ایرانی و روس تقریباً در حال تبدیل شدن به یک روال عادی است. حواشی خارج از عرف دیپلماتیکی که گلابه منتقدان دولت را از نوع رفتار قیّم‌مابانه طرف روس به دنبال دارد. البته واکنش حامیان دولت هم دیگر برای همه مشخص و واضح است: غربگرا خواندن منتقدان و اتهام حاشیه‌ساختن برای

دولت انقلابی. شاید فقط حواس علاقمندان نکته‌سنج تاریخ، به همزمانی سفر لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به ایران و سالگرد به توپ بستن مجلس توسط لیاخوف روس بود و واقع‌گرایی در دیپلماسی چندان جایی برای این مشابهت‌های تاریخی نمی‌گذارد اما همین سفر کوتاه مقامات روس به تهران باز هم حاشیه‌ساز شد...

سیاست ۲

تجمع نوجوانان شیرازی به جنجال و بازداشت ختم شد و یک نکته همچنان مغفول ماند؛

شکاف میان معیارهای رسمی و واقعیت جامعه

شهرنوشت ۶

«هر ماه جان فشانی» معادل دو امتیاز

پایان کرونا با تعدیل گسترده پرستاران همراه شد

دسترنج ۴

جوزپ بورل پیش از سفر به تهران:

دیپلماسی تهاراه بازگشت به اجرای کامل برجام است

سیاست ۲

تهران در رده‌های آخر

بهترین شهرهای جهان

شهرنوشت ۶

خطیب‌زاده:

ترکیه در برابر ادعاهای اسرائیل علیه ایران

سکوت نکند

سیاست ۲

به علت این دست، آن دست کردن مسئولان در مبارزه با آفات

از هر ۱۰ درخت، هشت درخت بلوط خشکیدند

شهرنوشت ۶

یادداشت

خروج انقلابی - فتوایی بر / از آپاراتوس هسته‌ای اسرائیل

نادر صدیقی



باید در قبال نفوذ اسرائیل به درون گفتار هسته‌ای هشیار بود. هر آن گفتار هسته‌ای که پروژه امنیتی‌سازی ایران در افکار عمومی جهانی کمک کند باید به دیده شک‌نگری دیده شود.

امروزه تولید گفتار در باره انرژی هسته‌ای همپای تولید انرژی هسته‌ای پیش نمی‌رود و حتی می‌توان گفت یک نوع گسست عظیم میان آن دو وجود دارد.

افزایش غنی‌سازی فقط در چتر حفاظ غنی‌سازی گفتاری بود. کارهای گفتمانی غنی می‌تواند شکل یک منظومه متوازن به خود بگیرد. انرژی هسته‌ای کشورمان اکنون در جامعه‌ای از گفتار در باره توان فوایر ضعیفی می‌شود. این یک تقلید خام‌ناشیانه از جهان بیینی‌نالیستی است. انقلاب اسلامی اساساً یک انقلاب بود. بر ضد اصل ماتریالیستی «عادل قوا» که در فراسوی بینش مسلط توازن قوایی فضایی تازه گشوده و موازنه خود را برقرار کرد: «آقایان نترسید از این برق قدرتها اگر یک ملتی قیام کرد برای مصالح خودش - یکوقت می‌خواهیم جنگ خارجی بکنیم، آنرا جنگ خارجی مابین هسته‌های جهان می‌دانند؛ یکوقت یک ملتی یک حرفی دارد که همه عالم می‌پذیرند این حرف را که ما ملتی هستیم، نمی‌خواهیم اجانب توی ملت ما باشد، توی خانه ما باشد، از خانه ما بیرون بروند. این را کسی نمی‌تواند بگوید. آن معارضه کند. اگر هم معارضه کند، یک آمد (۱) خیلی کمی می‌تواند معارضه کند و الا با افکار عمومی دنیا مواجه خواهد شد؛ و هیچ قدرتی با افکار عمومی دنیا نمی‌تواند مقابله بکند. ما الآن متوجه کردیم تمام افکار عمومی دنیا را به ایران، الآن ایران مورد توجه همه است.»

به‌رغم چهل و چندسالی که از سخن نوفل لوشاتویی امام خمینی می‌گذرد، در ایام اعتبار رهبری آن سخن کم‌نشده است: پیروزی نهایی از آن کلام است نه از اهرم‌سازی جنگ. آسلا کلامی که «همه عالم می‌پذیرند» باید در کنه خود سرشتی دفاعی داشته باشد و به یک حق مسلم دفاعی ارجاع نماید. بسیج افکار عمومی جهانی برای یک امر دفاعی بسی‌آسان‌تر از پیچیده‌سازی کلام و عرضه آن در جامعه یک «جنگ خارجی» است. امروز هم برای غلبه بر تحریم و اثبات سرشت ظالمانه آن در نظر افکار عمومی جهانی باید به همان اصل دفاعی متوسل شد. باید «این حرف را که ما ملتی هستیم نمی‌خواهیم اجانب توی ملت ما باشد، توی خانه ما باشد» از خانه ما بیرون بروید» روز آمد کرد

خبر

رئیس‌جمهور در نشست غیر حضوری سران بریکس پلاس: ایران می‌تواند شریکی پایدار جهت اتصال بریکس به بازارهای بزرگ جهانی باشد

رئیس‌جمهور تأکید کرد: ایران، به‌عنوان کشوری با تاریخی پر بار از حضور فعال در ابتکارات بین‌المللی، آمادگی دارد همه ظرفیت‌های خود را برای نیل به اهداف بریکس به اشتراک گذاشته و به شریکی قابل اتکا، جهت اتصال بریکس به گلوبال‌های انرژی و بازارهای بزرگ جهانی مبدل کند.

به گزارش ایلنا، سید ابراهیم رئیسی بعد از ظهر دیر روز در نشست ویدئو کنفرانس سران کشورهای گروه بریکس پلاس که به میزبانی چین برگزار می‌شود، گفت: جمهوری اسلامی ایران، آمادگی دارد همه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود را، از جمله ذخایر کم‌نظیر انرژی، شبکه‌های حمل و نقل و ترانزیت کوتاه و از راه دور، استثنایی نیروی انسانی آموزش دیده و نیز دستاوردهای علمی چشمگیر، برای نیل به اهداف بریکس به اشتراک بگذارد و این موقعیت کم‌نظیر جغرافیایی سیاسی و اقتصادی، می‌تواند ایران را به شریکی پایدار و قابل اتکا جهت اتصال بریکس به گلوبال‌های انرژی و بازارهای بزرگ جهانی مبدل کند.



در این پیام آمده است: جهان به هم پیوسته‌ی کنونی، با چالش‌های جدید و متنوعی روبروست که روند پیشرفت دوستی و صلح جهانی را متأثر می‌سازد. بحران‌های نوظهوری مانند پاندمی کرونا، تغییرات اقلیمی و نیز منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، تعاملات بین کشورهای را ضرورتی دوچندان بخشیده است. از سوی دیگر شاهد تجربه‌ها و راه‌آده‌های جمعی، جهت غلبه بر مشکلات هستیم که قالب نهادها و تریب‌تبات جمعی، تحقق ابتکارهای جمعی توسعه و تأمین منافع مشترک جهانی را تسهیل می‌کند. لازم است این بستر جهانی برای نقض آفرینی مؤثر نهادهای چندجانبه مستقل برای نیل به توسعه همگونی و صلح جهانی را تقویت کنیم.

رئیس‌جمهور در ادامه می‌گوید: روندهای متعارض جهانی، یکجانبه‌گرایی، ترجیحات ملی‌گرایانه و چالش‌هایی مانند تحریم و اقدامات قهر آمیز اقتصادی، اهمیت ایجاد تقویت نهادهای نوین را در کنار سازمان ملل متحد ضروری می‌کند. تأمین احترام به حاکمیت و منافع ملی کشورها، گام مهمی برای تحقق «جامعه بشری یا آینده مشترک» برداشته شود.

رئیس‌جمهور در پایان ضمن تشکر از همه اعضای بریکس بار دیگر خرسندی خود را از حضور در این نشست ابراز داشته و آمادگی نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران را برای مشارکت فعال در سایر نشست‌های بریکس اعلام کرد.

باین گزاره مشترک، و با این «ما» جا گرفته در دل یک موقعیت خاص تاریخی ایران دیگر در «برابر» ۵۰+ طبقه‌بندی نمی‌شود. اینطور نبود که یک طرف «دنیا» باشد و در جانب مقابل آن ایران برعکس ایران بخشی از دنیا شود. در کنار طرف دیگر مذاکرات وین خود را به مثابه پاسخ دهنده به نیاز مبرم جهان به امنیت بیشتر بازنمایی کرد. یعنی آنکه امنیت جهانی نمی‌تواند حربه‌ای بر ضد ایران باشد، کاملاً برعکس امنیت موضوعی است هفت کشوری که هر هفت کشور با هر هفت طرف مذاکره‌وین باید متحدان در جهت افزایش سطح جهانی آن بکوشند.

ساختار گزاره مذکور به گونه‌ای تنظیم شده بود که مستقل از یک متن حقوقی حکایت از یک تهدید انسانی و روشنفکرانه در برابر کل بشریت معاصر و حتی نسل‌های آتی داشت.

به این ترتیب کشوری که تا قبل از حصول توافق اخیر در آنسوی خط تقسیم ۵۰+ قرار داشت اکنون از جایگاه تحمیلی و بیرون جهانی خارج شده به درون جهان مهاجرت کرده و در مرکز جهان یعنی در دل هفت کشور جای می‌گرفت.

اکنون بار دیگر پس از آن پیروزی بزرگ دیپلماتیک بر توطئه امنیتی‌سازی ایران، شبکه عظیمی از خداهای و کنش‌ها، امور گفتمانی و کردارهای ناگفتمانی، گفته‌ها و نوشته‌ها، نهاد‌های سیاسی و نظامی، فضا‌های مادی، پادگان‌ها، تش‌ها، افتخارات آکادمیک و رو به‌ها، گفتار انرژی هسته‌ای را اجتناب به محاصره خود در آورده که سخن گفتن در این باره یک حق مسلم ملی را دشواری می‌سازد. برای بازگشت پیروز ماندن به جهان و به منطقه و به جغرافیای زیست در غرب آسیا باید یک بار دیگر شرایط امکانی بر جام را بازخوانی کرد:

چه چیزی برای اولین بار شرایط لازم را برای شنیده شدن آن فتوا را هم در بالاترین سطوح و مجامع جهانی فراهم کرد؟ کدام موانع گفتمانی و ناگفتمانی وجود داشت که تا آن لحظه مانع شنیدار پذیری فتوای ممنوعیت سلاح هسته‌ای می‌شده؟ آن فتوا به همراه آن گزاره صلح که مقاصد اصلی انرژی هسته‌ای توضیح می‌دهد، زیر چه نوری می‌تواند برق زند و یاد خشن خود گزاره گزینه تحریم و به همراه آن شیخ جنگ‌تربیتی و هیبریدی علیه کشورمان را از آسمان سیاست خارج دور کند؟

مداقه در باره این سوال هانسان خواهد داد که به همان میزان که گفتار هسته‌ای ایران از محاصره حجم انبوهی از امنیتی سازی‌های باز یگران امنیتی خارج شود، مجال بیشتری در باره رویت پذیری و شنیدار پذیری فتوای منع سلاح هسته‌ای فراهم خواهد شد. به‌طور واضح باید گفت گفتار در باره انرژی هسته‌ای بسی جدی‌تر از آن است که به باز یگران نظامی امنیتی و انگار شود. بگذاریم سیاست به گفتارمان در آید.

خواهیم شد که در عین حال گوهر مشترک همه ادیان ابراهیمی را تشکیل می‌دهد.

از این لحاظ فتوای رهبری در ممنوعیت قاطع و مطلق همه اشکال سلاح کشتار جمعی در همه مراحل ساخت‌داشت‌انباشت و کاربرد مبنای مستحکمی است برای دفاع از حق حیات و برابری بر گرداندن همه اتهامات ناروا و جانب اتهام‌گران امریکایی و صهیونیستی آن فتوا تفسیری است مدرن بر اصل قرآنی «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أُحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ» و به همین لحاظ از سوی ایجابی آن یعنی اصل حیات و «حیا» تفکیک ناپذیر است. آن ممنوعیت مطلق بر ضد کشتار، با این جواز در گستره قرآنی و ابراهیمی خود در نظر گرفته شود هر دو وجه سلبی (ممنوعیت مطلق سلاح کشتار جمعی) و ایجابی (احیای حیات بشری) خود را به‌در خشن تمام آشکار خواهد کرد. بنابراین بر مشروعیّت بر خاستگان آن فتوا و همچنین مشروعیت احیای و صلح گسترده است که می‌توان به سوی یک خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای و عاری از همه اشکال سلاح کشتار جمعی ستمگیری کرد.

ظریف در تلاش دیپلماتیک خود تجسمی در خشان و اعتقادی از آن فتوا بود. به یمن تلاش ظریف بود که فتوای رهبری وارد گفتار او با ما شد و به همین لحاظ سوز و گداز صهیونیستی لایه جنگ افروزی اسرائیل را برانگیخت. بر همین مبنای حیات‌باورانه و بشری بود که ایران در قله مذاکرات هسته‌ای بر فراز بالکن هتل کوبر کوبین در کنار قدرت دیگر جهانی پرچم «من تر سازی جهان» را به دست گرفت و از آیه تبارک «امنیتی سازی» ایران توسط صهیونیسم خارج گردید. تا قبل از آن مذاکرات، این ایران بود که به عنوان موضوعی «امنیتی» و به مثابه یک «معضل امنیتی» بازنمایی می‌شد اما در نقطه فرجامین مذاکرات ایران در جانب امنیت جهانی، به جایگاه جهانی خود بازگشت و اینبار اسرائیل بود که از سوی افکار عمومی جهانی به عنوان طرف تخریبگر صلح و امنیت جهانی شناخته شد.

«ما آنچه را که دنیا بدان امید بسته بود به سرانجام رساندیم. یک تعهد مشترک که صلح، تلاش مشترک برای امن تر کردن دنیا». این سخن که از سوی ظریف و موگورینی در بیانیه پایانی مذاکرات وین در هتل کوبر کورالت شد در واقع تیر خلاص بود بر ضد لابی گری اسرائیل که به زعم خود ایران را نه در جایگاه «امن تر کردن دنیا» که در جایگاه امنیتی سازی شده یعنی به عنوان موضع و معضل امنیتی جهان طبقه‌بندی کرده بود.

و متناسب با ویژگی‌های جنگ جدید بر ضد کشورمان، در باره سرشت اشغالگرانه تحریم‌ها و شکنجی کرد آنچه امام خمینی گفت فراتر از یک دیپلماسی انقلابی، بر یک الهیات رهایی بخش تکیه داشت. نوعی الهیات که خداپاوری و مردم‌باوری در بطن یک منظومه گفتاری توحیدی در هم تافته بود. امروزه نوعی ماتریالیسم جدید و البته خفی در حال پدیداری است که ساختار آن گفتار عمیقاً معنوی و توحیدی را تهدید می‌کند. آن هم در دست در شرایطی که برای مقاومت در مقابل اشکال نوین جنگ و اشغالگری بیش از هر زمان دیگر به بازخوانی آن الهیات رهایی بخش نیاز داریم.

تحریم آن شکل نوین اشغالگری است که مرزها و تمامیت ارضی را در نوردیده و در سطح بدن‌ها مستقر شده است. شکل تازه‌ای از جنگ که در هئیت هیبریدی خود همه‌جا کشیک می‌دهد، در بازارها و کارخانه‌ها و خانه‌ها. تمامیت زیست-کرامتی شهروندان در معرض اشغال قرار گرفته است و مبارز این شکل از جنگ باید به تئوری مقاومتی از جنس زیست-کرامت متوسل شویم. یعنی به گفتمان زندگی و صلح جنگ بر نیم‌وازیست کریمان‌ها و شهروندان بر ضد اشغالگران عرصه زیستی و اقتصادی و سیاسی دفاع کنیم.

تحریم‌ها بخصوص در شکل کنونی خود یک جنگ تربیتی و تمامیت‌گراست به همین خاطر خیالان‌ها و خانه‌ها و کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و همراه آن بدن‌ها و ذهن‌ها و ضمیر شهروندان ایرانی به تسخیر خود در آورده است. در چنین شرایطی، توسل به الگوهای کهنه جنگ سردی و گفتار هم‌سازی هسته‌ای که ناکارآمدی خود را حتی در بالاترین سطح ابرقدرتی خود را به اثبات رسانده که می‌باید برانگیزد.

وقتی تهاجم بر علیه زیست-کرامت ایرانیان تمامیت‌بدنی و پیکر زیستی جمعیت را به همراه تمامیت مدنی، منزلتی و کرامتی انسان ایران، به آماج اصلی و بلا فصل خود بدل کرده نیاز به نوع تازه‌ای از مقاومت داریم. در این مسیر راهبردهای ضد تحریمی باید از جنس زندگی و کرامت باشد. یعنی باید نیروی زندگی خواهی شهروندان در شرایط کریمان‌ها را به جنبش در آورد. زیرا آنچه که تحریم در معرض آماج بلا فصل خود قرار داده، خود زندگی است و نه برج و باروهای نظامی یا قلمرو و سرزمینی و ارضی و مرزی. بنابراین توسل به اصول راهبردی نظامی در مفهوم کلاسیک خود در جایی که دشمنان زندگی، قدرت خود را نه در مرزها که در بدن‌های ایرانیان مستقر کرده و وسط زندگی شهروندان ایرانی را به زیر ضرب برده اند، حکایت از یک نوع زمان-بریشی دارد. برعکس، اگر در فتوای رهبری در خصوص ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی مذاقه شود به یک اصل حیاتی و حیات‌باورانه هممون